

شاخص‌های نوجوانان رشید

دکتر معصومه هدایتی
متخصص روان‌شناسی سلامت

تربیت نوجوان بر اساس رویکرد روان‌شناسی رشد

در این نوشتار، قصد داریم به‌اختصار به بررسی راهکارها و مسیرهای کلی تربیت نوجوان بر اساس رویکرد روان‌شناسی رشد بپردازیم. نخستین گام در تربیت نوجوان براساس رویکرد روان‌شناسی رشد، شناخت مخاطب تربیت، یا به بیان دیگر، چالش‌های دوره نوجوانی و روش تعامل و انتقال صحیح پیام تربیتی به نوجوان است. در نتیجه، حساس‌ترین موضوعی که باید در زمینه تربیت اخلاقی - معنوی و شخصیت نوجوان بر اساس رویکرد روان‌شناسی رشد اولاً مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران آموزشی قرار گیرد و ثانیاً در برنامه تربیت معلم گنجانده شود، عبارت است از: شناخت نیازها و گرایش‌های خاص دوره نوجوانی و راهکارهای تأمین و هدایت آن‌ها که خود عموماً مشتمل است بر: توجه به روحیه استقلال‌طلبی و مسئولیت‌خواهی، گرایش به هویت‌طلبی، گرایش به گروه هم‌سالان هم‌جنس، توجه به خود، و شکل‌گیری کنجکاو‌ها و تمایلات جنسی در نوجوانان.

اصلی‌ترین ویژگی این دوره جست‌وجوی راه‌های کسب استقلال یا «استقلال‌طلبی» است. بر همین اساس لازم است ملزومات این استقلال را که همان رشد ذهنی - فکری، رشد عاطفی، رشد جسمی - حرکتی، رشد مهارتی، و رشد اجتماعی است، برای نوجوان فراهم کرد. اگر این ملزومات فراهم نشوند و نوجوان نتواند مسیر رشد صحیح را طی کند، قطعاً در معرض آسیب قرار خواهد گرفت. ذکر این نکته نیز ضروری است که استقلال‌دهی باید تدریجی باشد و از تقابل با روحیه استقلال‌خواهی نوجوان باید به‌جد اجتناب شود. وظیفه نظام آموزشی در این زمینه صرفاً جهت‌دهی به این روحیه است. روحیه استقلال‌طلبی در نوجوان همراه با رشد تمایل به «مسئولیت‌خواهی» است. در راستای تأمین این تمایل، می‌باید در واسپاری مسئولیت به نوجوان به سه نکته کلیدی توجه داشت:

امروزه، میان محققان و مربیان در مورد نقش «روان‌شناسی رشد» و اهمیت کاربرد آن در کلاس‌های درس و محیط‌های آموزشی، و به‌طور کلی در ساحت تعلیم و تربیت کم‌وبیش اتفاق نظر حاصل شده است. بنابراین، مربیان و معلمانی که قادرند نظریه‌های روان‌شناسی رشد را در راهبردهای تدریس و از آن مهم‌تر، در تعامل بین‌فردی با دانش‌آموز - به‌خصوص در کار با نوجوانان که در حساس‌ترین دوره رشد به سر می‌برند - بگنجانند، و نیز نظام‌های آموزشی که زمینه‌های لازم برای پیاده‌سازی رویکرد روان‌شناسی رشد و سوار کردن این رویکرد بر کلیت ساختار برنامه آموزشی نوجوانان را فراهم می‌سازند، می‌توانند علاوه بر تسهیل رشد شخصیتی دانش‌آموزان، پیشرفت تحصیلی آن‌ها را نیز موجب شوند.

بیشینه روان‌شناسان معتقدند که با پایان دوره نوجوانی - دوره‌ای که عموماً از ۱۱ سالگی آغاز و به ۱۹ سالگی ختم می‌شود - شخصیت فرد به‌طور کامل شکل می‌گیرد. از همین رو، این دوره در برنامه‌ریزی‌های نظام آموزشی، یک «دوره طلایی» محسوب می‌شود. دوره نوجوانی دوره‌ای است که **تعارض غالب** آن «تعارض هویت در برابر سردرگمی نقش»^۱، **رویداد مهم** آن «یافتن تعادل در روابط اجتماعی و دوستی با هم‌سالان»، **فضایل اخلاقی** حاکم بر آن «وفاداری و سعادت‌جویی»، و خروجی آن «یکپارچه‌شدن احساس من بودن»^۲ است.

نتایج حاصل در پایان این دوره، به‌نحو مؤثری بر سراسر زندگی فرد حاکم خواهد بود. بر همین مبنا، لازم است نظام آموزشی کشور برنامه‌ریزی صحیح و مناسبی برای این دوره بر اساس رویکرد روان‌شناسی رشد، چه به‌منظور آموزش مقتضی معلمان و مربیان، و چه آشناسازی والدین با الزامات تربیت در این دوره، داشته باشد تا بتوان جنبه‌های متفاوت هویت نوجوان را به شکل علمی و صحیح شکل داد.

۱. مسئولیت باید مطابق با میل و علاقه نوجوان باشد.

۲. مسئولیت باید متناسب با توان او باشد.

۳. مسئولیت‌سپاری در قالب کار گروهی و به‌نحوی باشد که مقوم و مشوق روحیه تعاون و مشارکت و کاشف استعداد رهبری در افراد مستعد باشد. دومین ویژگی در دوره نوجوانی، ویژگی «توجه به خود» و گریز از وابستگی است. برخلاف دوره کودکی که در آن تمام توجه کودک معطوف به دنیای اطراف و افراد نزدیک است و تقلیدگری بر رفتار کودک غلبه دارد، نوجوان به‌دنبال ساخت جهان مختص به خود است.

البته یکی از تهدیدهای توجه به خود، گرایش به مد، مدگرایی و شکل‌گیری رفتارهایی در نوجوان است که با اخلاقیات عمومی خانواده و جامعه زاویه دارد و این برخاسته از جوشش روحیه مقایسه خود با دیگران در دوره نوجوانی است. به‌منظور جلوگیری از بروز چنین آسیبی، شایسته است نظام آموزشی مشغولیت‌های مفیدی را برای نوجوانان تعریف و اجرا کند.

سومین ویژگی دوره نوجوانی «گرایش به گروه هم‌سال هم‌جنس» است. این گرایش که باعث می‌شود نوجوان گروه هم‌سال را به گروه خانوادگی ترجیح دهد، نیازمند جهت‌دهی و همچنین بهره‌برداری حساب‌شده است. بر همین اساس، یکی از وظایف نظام آموزشی مدیریت تربیتی گروه هم‌سالان به‌عنوان یک کار ویژه تربیتی مغفول است. به این معنی که بهتر است متولیان امر آموزش، به‌جای سرمایه‌گذاری صرف بر اجرای امر تربیت از طریق معلم و مربی، به تربیت از طریق گروه هم‌سالان و برجسته‌سازی «همسال مقبول» نیز روی آورند. البته باید آسیب‌های این گرایش را نیز تحت کنترل درآورد. در همین راستا، به‌نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت «اردوهای بلندمدت تابستانه با رویکرد هویت‌بخشی» می‌تواند در این زمینه بسیار کمک‌کننده باشد؛ بنابراین، استفاده صحیح از ظرفیت گروه هم‌سال می‌تواند فرصت‌های بی‌نظیر تربیتی، هویت‌بخشی، مهارت‌آموزی، علمی، و

شکوفاسازی استعدادها را در اختیار نظام آموزشی و دانش‌آموزان قرار دهد. با بهره‌گیری از این فرصت، حتی می‌توان تفکر اقتصادی، کارآفرینی و تولیدگری را که بلافاصله پس از پایان دوره نوجوانی لازمه زندگی افراد خواهد بود و از معضلات گریبانگیر کنونی جامعه ماست آموزش داد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای پیشبرد این هدف، بنگاه‌های اقتصادی ویژه نوجوانان که در آن‌ها اصول کار در بازار و بازاریابی و همچنین راه‌اندازی شرکت‌های «نوآفرین» (استارت‌آپ‌ها) آموزش داده می‌شود، با همکاری وزارتخانه‌های مربوطه و بخش خصوصی تأسیس شوند.

ویژگی چهارم «هویت‌طلبی» یا «هویت‌جویی» است. در این خصوص نیز باید به ابعاد متفاوت هویت نوجوان عنایت شود؛ ابعادی همچون هویت معنوی، هویت ملی، هویت جنسیتی، هویت تحصیلی، هویت اقتصادی - شغلی، هویت شخصی، هویت خانوادگی و هویت اجتماعی. برای هویت‌بخشی یا کمک به هویت‌یابی باید افرادی را تعریف کرد و بر آن اساس، دست به مدل‌سازی و الگوپردازی برای نوجوان زد تا از این رهگذر از آسیب‌های احتمالی ناشی از نقص در هر یک از ابعاد مزبور جلوگیری به عمل آید.

در پایان تأکید می‌شود که دوره نوجوانی دوره‌ای است کوتاه، لیکن توأم با مخاطرات و چالش‌های بسیار که تأثیری ژرف بر سراسر زندگی افراد دارد. بنابراین ضروری است این دوره مورد توجه خاص نظام آموزشی و مربیان و نیز همه افراد تأثیرگذار در این دوره از دیدگاه روان‌شناسی رشد قرار گیرد. این دوره، دوره تحول و تغییر در دو بعد جسم و روان، و به‌عبارت دیگر، دوره بروز مشکلات است که باید با برنامه‌ریزی صحیح از آن‌ها جلوگیری کرد و با هدایت نوجوان، بهترین مسیر را فراروی او قرار داد.

پی‌نوشت‌ها

1. identity vs. role confusion
2. unified sense of self

